

آرینه

رابوای ناسالم قدرت

روابط ناسالم قدرت؛ **منابع توسعه**

● دکتر مهدی زبانی: از الگوی روابط درون گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها در واگذاری تدریس دروس به افراد بی‌صلاحیت، انتخاب کمیته‌های علمی، همایش‌های تخصصی بر پایه روابط شخصی، درنظرگرفتن امتیازات قانونی برای افراد خاص تا اعطای پست‌های اجرایی به افراد بعضا نالایق در بدنه اجرایی دولت با توجه به روابط خانوادگی یا گرایش‌های سیاسی ایشان، همگی نشانه‌هایی از روابط ناسالم قدرت هستند. در این راستا، برقراری الگوی مناسب قدرت در یک جامعه علاقه‌مند به توسعه منوط به گذار از شرایطی است که «تالکوت پارسونز» آن را در پنج بخش مجزای روابط شخصی، خاص‌گرایی، جمع‌گرایی، انتساب و نقش‌های عام دسته‌بندی کرده است. آنچه امروز در اکثر بخش‌های اداری- سیاسی کشور ملاحظه می‌شود چیزی است که پاره‌ای از کارشناسان همچون دکتر سریع‌القلم آن را خلق‌و‌خوی قبیله‌ای می‌خوانند. در جامعه مبتنی بر رفتار قبیلگی جریان قدرت محدود به یک بخش کوچک از جامعه است که صرف‌نظر از ضعف‌ها و کارآمدی احتمالی، امکان تعقیب افراد به جهت اقدامات ایشان وجود ندارد. جریان قدرت در طول یک بازه طولانی صرفا در بین افراد مشخصی برقرار است که در برابر مسوولیت اعطاشده به ایشان پاسخگو نیستند. به عبارت دیگر، ناکارآمدی در اجرای وظایف محوله تأثیری در روند ارتقای مناصب سیاسی- اجرایی افراد ندارد. در این تصویر روابط ناسالم قدرت در جامعه امروز ایرانی یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کندی حرکت کشور به سمت پیشرفت همه‌جانبه است؛ چراکه عامل انسانی عنصر اصلی در روند توسعه پیشرفت یک کشور به حساب می‌آید.

اعتبار

سرمایه‌های اجتماعی

● **علی شکوهی**؛ امروزه با قاطعیت می‌توان گفت که مرجعیت رسانه‌ای مردم به بیرون از مرزهای ملی منتقل شده است یعنی اکثریتی از مردم بیننده و شنونده رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشورند و بدتر اینکه به آن رسانه‌ها اعتماد می‌کنند و دست‌کم این است که به راستگویی و درستی کار رسانه‌های داخلی باور ندارند. آنان شاهدند که صداوسیما به شکل انحصاری اداره می‌شود و سخنگوی طیفی مشخص در حکومت است و صدا و نظارت اکثریت مردم را نمی‌توان در اخبار و برنامه‌های آن دید و شنید. شبکه‌های خصوصی و حزبی صداوسیما هم اصلا وجود ندارد و در واقع حکومت به دست خود در حال انتقال مرجعیت رسانه‌ای به بیرون از مرزها است. نشانه دیگر اردزست‌رقتی سرمایه اجتماعی، انتقال مرجعیت سیاسی مردم از احزاب و نیروهای درون حکومت و نظام به بیرون از حکومت است. مردم منتقدند که صدای دردها و مطالبات خود را در درون نظام و از زبان احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی بشنوند و شاهد اثرگذاری این فریادهای بر تصمیمات حاکمان و در نتیجه شاهد بهبود وضعیت خود باشند.

کیتان

بسپج‌و‌ضد‌بسپج

● **سعدالله زارعی**.. وقتی امروز تفکر بسپجی نه تنها وجه ممیزه دولت و مجلس شورای اسلامی نیست، بلکه تفکر حاکم بر دولت، صاحبان تفکر بسپجی را هم مثل سایر مردم به زیر همپزم و فشار شدید قرار داده است، چطور می‌توانیم بگوییم تفکر بسپجی، «حاکمیت» دارد؟ حالا سؤال این است که سیاه و بسپج چه کاری را فرو گذاشته‌اند که به این عدم حاکم‌شدن تفکر بسپجی کمک کرده است؟ پاسخ به این سؤال البته دشوار است، چراکه لازم آن این است که ملاحظات را کنار بگذاریم و حال آنکه سیاه پاسداران یکی از «غزیزترین‌ها» در ایران اسلامی است. در یک جمع‌پندی می‌توان گفت، سیاه پاسداران در طول این ۴۰ سال در حفظ «نهاد انقلابی بسپج» و «بشپیبانی» از آن و «جلوگیری از وقوع انحراف» در آن، تلاش بسیار زیادی کرده و موفقیت‌های بزرگی داشته است؛ اما وقتی ما این بسپج و مأموریت‌ها و تأثیر اجتماعی آن را با اندیشه «مؤسس بسپج» می‌سنجیم، می‌بینیم حاکمیت پیدا نکرده است. وقتی در این بخش، عملکرد متولیان بسپج را در این چهل سال مرور می‌کنیم، می‌بینیم اساسا گویا برای حاکمیت‌بخشی به تفکر بسپج کار چندان‌ی صورت نگرفته است.

معمولا نظرات سعید لیلاز تنها محل بحث نخبگان سیاسی و اقتصادی است، بلکه دیدگاه‌های او در میان عموم مردم هم بازتاب دارد. با این وصف او در مقطع کنونی تمام‌قد از اجرای طرح اخیر دولت یعنی افزایش قیمت بنزین دفاع می‌کند و آن را امری لازم می‌داند. او در گفت‌وگویی که چندی پیش با پایگاه خبری-تحلیلی «جماران» داشت، علت اعتراضات مردمی بعد از افزایش قیمت بنزین را صرفا افزایش قیمت ندانست و گفت: «من به هیچ‌وجه هدف اصلی و غایی این اعتراضات را بنزین نمی‌دانم. مردم به فساد و ناکارآمدی اعتراض کردند». او در تشریح ضرورت این طرح عنوان کرده است که «باید در تمام ۱۰ سال گذشته یا نرخ تورم را کنترل می‌کردیم یا اگر نمی‌توانیم تورم را کنترل کنیم، اندکی بیش از نرخ تورم به قیمت سوخت اضافه کنیم؛ با هدف رسیدگی به مردم. معنای عینی همین طرح ناصقی که آقای روحانی تصویب کرده چیست؟ من دوستان نهادگرای خودم را به این تعقل دعوت می‌کنم. ما ۳۰ هزار میلیارد تومان در سال از بالاترین طبقات اجتماعی ایران می‌گیریم و به فرودست‌ترین طبقات جامعه ایران تزریق می‌کنیم. این کار ضریب جینی ایران را در یک شب بهبود خواهد بخشید. چرا این کار را نکنیم؟ لیلاز همچنین در این گفت‌وگو که به بحث‌های سیاسی هم معطوف بود، گفت: «ایران هر وقت قدرتمند شده خوشبختانه یا بدبختانه با قدرت‌های جهانی در افتاده است این جزء ذات مناسبات ماست». این اقتصاددان جایگاه ایران در قریاس با کشورهای منطقه را هم این‌گونه توصیف کرد: «برویم ببینیم اولا متوسط رشد اقتصادی ما چقدر عقب‌تر از بقیه کشورهای هم‌راز خودمان بوده است و ثانیاً کدام یک از مسائل حال حاضر ایران ریشه داخلی ندارد. ضمن اینکه بقیه کشورهای هم‌جوار ایران مثل ایران آن را ندارند. مثلا ما بحران زیست‌محیطی داریم. آبا عراق، افغانستان، پاکستان، عربستان و ترکیه آن را ندارند؟ ما شکاف بین فقیر و غنی داریم. بقیه کشورهای منطقه ندارند؟ همه همین‌طور هستند. یعنی هیچ شادیی وجود ندارد که صرف دوستی یا دشمنی با آمریکا، روسیه و چین در سرنوشت یک کشور اثر مثبت یا منفی تعیین‌کننده وجود داشته باشد. بله! این اختلاف مسائل را تشدید می‌کند. من این را می‌دانم اما اساسش خود شما هستید. اگر اشتباه نکنم وقتی انقلاب شد، حجم نقدینگی ایران ۲۰۰ میلیارد تومان بوده است. الان بیش از دوهزارو ۲۰۰ تریلیون تومان است. قابل درک نیست که چقدر زیاد است. در ۴۰ سال شاید ۱۰ هزار برابر شده باشد. این به شما تورم می‌دهد. تورم علت‌العلل همه بدیعتی‌هاست». لیلاز توسعه سیاسی و اقتصادی ایران را در گرو وااستدگی به آمریکایی‌ها می‌داند و در تشریح این دیدگاه گفت: «ما هزار مشکل داریم اما این مشکلات مشکلات خودمان است. بله در دویی توانسته‌اند یک حکومت مستقر کنند که وقتی کسی آن را لا تصمیر گرفت، کسی نتواند حرف بزند. شما این را با ایران مقایسه کنید که بزرگ‌ترین نظم بین‌المللی موجود، بزرگ‌ترین نظم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و فنی تاریخ بشر تمام ورزش را انداخته روی کشور متوسطی مثل ایران و مسئولانش افتاده‌اند به جان هم. آبا آنجا این‌جوری است؟ می‌خواهم بگویم هرچه هست داخل ماست. همین الان شما به ایران انسجام بده، فساد را بردار، دموکراسی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را می‌گوید- نه جای دیگر- اعطا کن. بین ایران چگونه بدون دوستی با آمریکا در دنیا می‌تواند،. و مسئله اصلی این روزهای ایران را هم این‌گونه تشریح کرد: «من مسئله اصلی‌ام مبارزه با

آمریکاست؛ عقب‌راندن آمریکا از این تعدی جدیدی است که به ساحت ایران دارد و خیلی‌ها به اشتباه فکر می‌کنند این قضیه صرفا در ساحت جمهوری اسلامی مطرح است. در حالی که آمریکا که ۱۰ سال آخر باهت ایران سنله داشت و این سنله به موازات قدرت‌گرفتن ایران روزبه‌روز شدیدتر می‌شود». این موارد گزیده‌ای از گفت‌وگوی اول لیلاز با «جماران» بود که عمدتا با محوریت اقتصاد سیاسی انجام شد و اکنون بخش دوم گفت‌وگو با او با محوریت اقتصاد را می‌خوانید که هم‌زمان در روزنامه «شرق» و پایگاه خبری «جماران» منتشر شد.

● **آقای دکتر لیلاز**؛ برخی معتقدند نظارت در ایران «فشل» است یا اصلا وجود ندارد؛ در نتیجه هر اقدامی در راستای اصلاح قیمت‌ها، تأثیر خود را روی قیمت سایر کالاها می‌گذارد. ارزیابی شما از چنین سنله‌ای چیست؟

معتقدم تا وقتی که روزانه هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان به نقدینگی ایران اضافه می‌شود، اگر همه ایران را هم به بازرس تبدیل کنند، نمی‌توانند جلو تورم را بگیرند. و برعکس اگر از پمپاژ نقدینگی متوقف نشود، حتی اگر هیچ بازرسی هم نباشد، کسی نمی‌تواند کالاها را گران کند. مگر مسکن پنج سال در کشور راگد نبود؟ چرا؟ به دلیل اینکه دولت توانست نرخ تورم را پایین بیاورد.

وقتی نرخ تورم نقطه به نقطه در مهر ۹۷ به رقم ۷/۱ رسید، چطور ممکن است که شما فکر کنید می‌توان با نظارت جلو تورم را گرفت؟ «کانوت» پادشاه افسانه‌ای دانمارک، به امواج دریا دستور نقدبشینی می‌داد. اگر این امواج در عالم واقع به دستور آقای روحانی عقب می‌نشیتند، خب، چنین دستوری صادر کند. ولی سازمان‌های بازرسی و نظارتی نه تنها سر سوزنی تأثیر ندارند، بلکه به دلیل اینکه خودشان هزینه‌زا بوده و هزینه‌شان از محل رشد نقدینگی تأمین می‌شود، باری بر دوش هستند.

معتقدم اگر ما بتوانیم جلو رشد نقدینگی را بگیریم، تورم کنترل خواهد شد. مگر وقتی قیمت نفت در بازارهای جهانی از ۱۲ دلار به ۱۲ دلار رسید، کشورهای مصرف‌کننده نفت در اروپا و آمریکا تورم‌های ۱۲ تا هزارو ۲۰۰ درصدی داشتند؟ هرگز نرخ تورم آنها از یک درصد بالاتر نرفت. با اینکه هیچ نظارتی هم آنجا وجود نداشت. وقتی دریا دستور نقدبشینی «مفر» است، چه اتفاقی می‌افتد؟ یا وقتی قیمت بنزین افزایش پیدا می‌کند، چه می‌شود؟ با این افزایش اولا مصرف بنزین پایین می‌آید و ثانیاً مقداری هم که مصرف پایین نمی‌آید و افراد پول بیشتری برای بنزین می‌دهند، مجبورند کالای دیگری را کمتر مصرف کنند. مانند بنزین، در نتیجه قیمت بنزیر به دلیل کاهش مصرف پایین خواهد آمد.

بنابراین با این روند سطح عمومی قیمت‌ها ثابت می‌ماند. دقیقا مثل این است که از یک گوشه استخر آب برداریم و به گوشه دیگر بریزیم. ولی ما علاوه بر این کار، یک لوله پر قدرت هزار اینچی آب هم داریم که آن را به این استخر می‌پاشی می‌کنند و کسی به آن توجهی نمی‌کند که همان پمپاژ نقدینگی؟

سیاست

گفت‌وگو با سعید لیلاز درباره مسائل اقتصادی و سیاسی

موافق شوک درمانی نیستم



عباس نوروری، مدیر

اگر با من بود، قیمت بنزین را افزایش نمی‌دادم بلکه می‌گفتم سهمیه ماهانه ۴۵ لیتر، همان هزار تومان باشد ولی مازاد بر سهمیه، قیمت را لیتری پنج هزار تومان اعلام می‌کردم. الان بسیار از دولت مکدم که قیمت بنزین سوپر را که روشن است فقط مرهان از آن استفاده می‌کنند، سه‌هزارو ۵۰۰ تومان اعلام کرده در حالی که باید نرخ آن را پنج تا شش هزار تومان اعلام می‌کرد. الان وقت تصمیمات بزرگ در اقتصاد ایران است و تصمیمات بزرگ حتما در دناک خواهد بود. ما اگر هفت دهک جامعه را سفت داشته باشیم دیگر نگران چه هستیم؟

● **شاخص‌های‌تان برای دهک‌بندی جامعه چیست؟ اینکه گفته می‌شود هنوز دولت توانسته جامعه را دهک‌بندی کنه، می‌توان در چه راستایی ارزیابی کرد؟**

من در این‌باره به اندازه شما خسیس نیستم. حالا اگر این وسط کمی هم در دهک‌بندی اشتباه شود، اشکالی ندارد. به نظرم اگر قیمت بنزین سوپر را پنج هزار تومان اعلام می‌کردند و به جای ۵۵ هزار تومان به هر نفر مبلغ بیشتری تعلق می‌گرفت، بهتر بود. بروید ببینید هنوز هم ترافیک بزرگراه‌های تهران غیرقابل تحمل است. البته من با این شرایط کمتر حرص می‌خورم چون با خودم می‌گویم پولش را پرداخت می‌کنند و درآمد حاصل از این مصرف، به آن کودک سیستان و بلوچستانی رفته‌اید آنجا را ببینید؟ روستاهایی هستند که ممکن است ۱۰ سال در آنها بارندگی نشود و مردمش وسط غبار نشسته‌اند و منتظرند ببینند دولت برایشان چه کار می‌کند.

● **این قدر مطمئن درباره نفع هفت دهک جامعه صحبت می‌کنید که جامعه‌شناسان چنین اعتقادی ندارند و دست‌کم برخی معتقدند طبقه متوسط جامعه به سمت فقر کشیده می‌شود و دو قطبی فقر و غنا شدت گرفته است.**

● **به گفته این افراد دو قطبی فقر و غنا باعث می‌شود طبقه متوسط نتواند خواسته‌های مدنی خود را بگیرد کند.** آنها معتقدند دولت آقای روحانی مقصر است و یک‌مرتبه همچون کش قیمت بنزین، دلار و... را رها می‌کند.

بله، من دغدغه‌های کسانی را که نگران طبقه متوسط هستند، قبول دارم. من خود یکی از پژوهشگران طبقه متوسط هستم. خود این طبقه تعریف روشنی ندارد. ثانیاً وقتی حرف از طبقه می‌شود، به لحاظ اقتصادی یک معنا و به جای فرهنگی معنای دیگری دارد. ما معلمان و دانشگاهیان را ولو اینکه حقوقشان عموماً از کارگران کمتر است، جزء طبقه متوسط می‌دانیم. بنابراین باید دید کارکرد طبقات در اقتصاد و فرهنگ چگونه است؟

من در اینجا آن‌قدر رته به خشخاش نمی‌گذارم و معتقدم اگر حتی یارانه همه ۸۰ میلیون نفر هم اضافه می‌کردیم، طوری نمی‌شد. شما اگر نفعی سه هزار تومان به درآمد همه مردم اضافه می‌کردید، برای آن صدک اول می‌شد یک میلیونیم درآمدشان و برای صدک آخر معادل سه برابر درآمدشان بود. تجربه ما در سال ۸۹ نشان می‌دهد که ضریب جینی ما یک‌باره بهبود پیدا کرده است و این‌دفعه نیز بهتر خواهد شد.

معتقدم دولت باید به عملیات مویرگی خود برای کاهش یارانه‌ها ادامه دهد. این چیز جیبیی نیست اگر بگوییم هرکس بیشتر از ۲۰۰ میلیون تومان سبدته‌های خانسی‌اش آنها مهم است. بقیین دارم ثابت می‌کنم که شما اگر خانواده‌ای مجموع درآمدش در ماه بیش از پنج میلیون تومان است، یارانه دریافت نمی‌کند. آقای احمد میدری سیستمی تعبیه کرده بود و نمی‌دانم امروز هم اجرا می‌شود یا نه؟ به نحوی که روزانه ۱۰ تا ۳۰ هزار نفر را تدریجی و با دقت از گردونه دریافت یارانه‌ها خارج می‌کردند. ما که می‌دانیم ۴۰ میلیون نفر در ایران به دریافت یارانه محتاج نیستند، بنابراین تنها شناسایی آنها مهم است. بقیین دارم ثابت می‌کنم که شما از آنها نقل‌قول می‌کنید، قبول دارند که ۲۰ میلیون نفر در کشور محتاج دریافت یارانه نیستند. ببینید اگر دولت بتواند به هفت دهک جامعه ماهانه ۱۵۰ هزار تومان یارانه با کنترل تورم دهد، چه تحول بزرگی اتفاق می‌افتد. حتی اگر تورم هم نتواند کنترل کند، ایرادی ندارد و به اندازه‌ای که تورم به وجود می‌آید نیز روی نرخ سوخت بگذارد، هم دلار و هم اینکه حداقل دستمزدها را به آن اندازه بالا ببرد. در تمام شش سال دولت آقای روحانی، حداقل درآمد پنج گروه جامعه همواره و منظم بیش از نرخ تورم بوده است. چرا بی انصافی کنیم؟ تنها مزیت علم اقتصاد برای من این است که عدد و رقم در آن کاربرد دارد و بدون عدد و رقم، علم اقتصاد برای من ریالی هم نمی‌ارزد. آبا محرومان ایران غیر از پنج گروه کارگران، کارمندان، بازنشستگان، کشاورزان و مستمری‌بگیران بهزیستی و کمیته امداد هستند؟ دولت در تمام شش سال گذشته، اندکی بیشتر از نرخ تورم به درآمد این گروه‌ها اضافه کرده است. قدرت خرید کارگران ایران مطابق نرخ رسمی تورم نسبت به سال ۳۰،۹۲ درصد افزایش پیدا کرده است. این را می‌دانستید؟ بنابراین چنین سنله‌ای واقعیتی عینی است. به‌قدری در دولت قبل به این گروه‌ها از لحاظ معیشتی فشار وارد شده بود که دولت آقای روحانی تنها توانست بخشی از وضعیت آنها را اصلاح کند. در نتیجه در اینکه مرتب وضع آنها رو به بهبود بوده، تردیدی نداریم. من به دولت آقای روحانی قویا توصیه می‌کنم کوپن کالا‌های اساسی را برقرار کند.

ساختن یک کشور مدرن، سال هفدهم • شماره ۳۵۸۴، روزنامه شرق

مطابق فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای در روزهای گذشته، ما باید فرض کنیم که تحریرها دو تا سه سال طول می‌کشد. شواهد نشان می‌دهد سال ۹۷ حدود پنج میلیارد دلار از پول یارانه‌های کالاهای اساسی تقریباً هدر رفته یا درزیده شده است. من حجم دردی توزیع کالاهای اساسی به شیوه سال ۹۷ را حدود صد هزار میلیارد تومان می‌دانسم. خب چرا کوپن نمی‌دهند؟ ما تجربه خیلی خوبی در جنگ داریم و امروزه تکنولوژی به‌گونه‌ای پیشرفت کرده که هزار برابر دوره جنگ تحمیلی قدرت نظارت داریم.

● **شما به‌عنوان یک متخصص، چگونه می‌توانید برای اینکه مردم را اقناع کرده باشید، با آنها صحبت کنید؟**

اگر از من سؤال می‌کنید، معتقدم نیازی به هیچ گفت‌وگویی با مردم نیست. حتی یک کلمه نباید با آنها حرف زد. مردم عمل می‌خواهند. گفت‌وگو با مردم مستلزم نابالغ و غیررشدید فرض‌کردن ملت ایران است. من این‌گونه فکر نمی‌کنم. ملت ایران اگر در عمل چیزی را ببینند، متوجه می‌شوند که طرف راست می‌گوید یا نه.

● **از رمز محبوبیت آقای خاتمی این است که با مردم حرف می‌زند؟ اصلا ایشان ابزاری برای حرف‌زدن با مردم دارد؟ امام خمینی (ره) مگر مدام با مردم حرف می‌زدند؟ ابد!** بقیه بزرگان هم همین‌طور. مگر ما به خاطر حرف‌های آقای روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ به ایشان رای دادیم؟ ما از روی امید به افراد داده و می‌دهیم؛ بنابراین «دوصد گفته چو نیم کردار نیست». ملت ایران به حرف‌زدن و استدلال و اقناع نیازی ندارد. باید توجه داشته باشیم همیشه گروه قبلیی هستند که دشمن با ایران و نظام هرگز صاف نمی‌شود و هر کاری هم انجام شود، آنها کار خود را می‌کنند. اقلیت خیلی کوچکی هم هستند که غارتگرند. این غارتگران تعدادشان در برتانیا یا فرانسه بسیار بیشتر از ایران است. اما اگر مسئولان می‌خواهند با مردم صحبت کنند، باید صبر کنند تا نتایج عملی این طرح نمایان شود. بقیین دارم گرانی بنزین اثر محسوسی روی تورم نخواهد داشت. یقین دارم طرح آقای روحانی درباره پرداخت یارانه معیشتی به ۶۰ میلیون نفر قویا اجرا خواهد شد و بقیین دارم که نقطه تمرکز اعتراض مردم ایران در اعتراضات اخیر، بنزین نبوده است؛ بلکه بحث حکمرانی خوب مطرح است.

حکمرانی خوب می‌گوید با فساد واقعا مبارزه کن؛ یعنی بیشتر از آنکه با سرشاخه‌ها برخورد کنی، جلوی آن را بگیر. اگر با سرشاخه‌ها هم برخورد می‌کنی، آن‌قدر در بیوق‌وکر تا کنی و ثانیاً آن را قدر جناحی برخورد ندی، یقین دارم دوم مربوط به کارآمدی است. نظام مدیرگزینی، مجلس فشل و این سیستمی که همه در آن نگران دستگاه‌های نظارتی و گزینشی هستند.

سال ۸۸ در زندان، زمانی که بازجو از من پرسید آبا معتقد به تغییر قانون اساسی هستم؟ گفتم نه. بازجو پرسید چطور؟ گفتم برای اینکه آن قانون هنوز اجرا نشده تا ما بخواهیم ششکلش را پیدا کنیم قویا معتقدم که مسئله ایران، قانون نیست؛ چه قانون اساسی چه قوانین عادی. مسئله ما این است که هیچ قانونی اجرا نمی‌شود؛ مگر برنامه چهارم، پنجم یا ششم اجرا شوند؟

● **آقای لیلاز**؛ برخی‌ها معتقدند شما تاریخ‌دان هستی بیشتر از آنکه اقتصاددان باشی.

من تاریخ‌دانی هستم که علم اقتصاد را خیلی دوست دارم و همه علایق مطالعاتی‌ام که خیلی زیاد هم هستند، روی تاریخ متمرکز است، با روی اقتصاد. باید بگویم که من یک دانشجو هستم و علم را دوست دارم.

● **یکی دیگر از موضوعات بسیار مهم اقتصاد ایران که از آن با عنوان «ابرجالش» یاد می‌شود، بحران صندوق‌های تأمین اجتماعی است. در این زمینه چه باید کرد؟**

تورم یک‌سال‌ونیم اخیر، این بحران را برای ما عقب انداخته است، یعنی همه آسیب شبکه بانکی و هم آسیب صندوق‌های تأمین اجتماعی را عقب انداخته است. ولی متأسفانه نظام مدیرگزینی ایران دوباره این بحران را تبدیل به بحران روز خواهد کرد. در این وضعیت، کسی نمی‌تواند درست تصمیم بگیرد. نمی‌شود یک نظام مدام مردم را زیر پوشش تأمین اجتماعی ببرد و از طرف دیگر ثروت تولید نکند؛ مانند کیکی که حشم ثابت است و دولت تعداد خورندگان را زیاد می‌کند. معلوم است که شما با این کار فقر را توزیع می‌کنید، درحالی‌که نیاز به تولید ثروت در جامعه دارید.

این در نظام مدیرگزینی و سیستم اقتصادی نمی‌شود تولید ثروت کرد. وقتی قرار است با فساد مقابله شود، چنان با سرینجه‌های فعالان اقتصادی برخورد می‌شود که تمام سرمایه‌گذاران فرار می‌کنند. معتقدم ملاقاتی که مقام رهبری در هفته‌های قبل با فعالان اقتصادی داشتند، بسیار مهم بود. این ملاقات برای اولین بار پس از انقلاب بود. این علامت مهمی است و نشان می‌دهد که مسئله اقتصاد، ایجاد ثبات اقتصادی و از بین بردن زمینه‌های فساد برای رهبری جدی شده است.

● **البته چندین سال است که نام‌گذاری سال‌ها از سوی رهبر انقلاب رنگ‌بویی اقتصادی دارد.**

بله حتما همین است. ولی من عرض می‌کنم وقتی فاصله دلار آزاد با دلار دولتی در کشور پنج برابر باشد، این شعارها عملیاتی نمی‌شود و باید گفت رسماً مشکلات و بیچارگی‌ها همین تورم است.

● **این حرف تا چه اندازه درست است که نرخ تورم رسمی فاصله‌ای زیاد با نرخ تورم غیررسمی دارد؟**
اشتباه است. بانک مرکزی اگر می‌خواست دروغ بگوید، به‌جای ۵۳ درصد می‌گفت ۵۳ درصد. همین ۵۳ درصد هم خیلی زیاد است. ● **پس چرا مردم احساس می‌کنند که تورم بیش از این حرف‌هاست؟** احساس مردم به این دلیل است که ما متوسط نرخ تورم را می‌گوییم. ولی به نظرم تورم مواد غذایی پارسال سرقمی بوده و چون توده مردم مواد غذایی را بیشتر از میل مصرف می‌کنند، این احساس را پیدا کرده‌اند. علت اینکه مردم تصورشان این بوده که نرخ تورم واقعی از نرخ تورم رسمی بیشتر بوده، این است که فشار تورم روی مواد غذایی بسیار بیشتر از کالاهای غیرخوراکی یا غیرضروری بوده است.

وقتی ما از تورم حرف می‌زیم، در رابطه با متوسط آن صحبت می‌کنیم. اولا ما یک تورم نقطه‌به‌نقطه داریم که پارسال معادل ۵۳ درصد بود و خوشبختانه الان نصف شده است. فشار تورم در میان دهک‌های کم‌درآمدتر بیشتر بوده و من فکر می‌کنم که در میان دهک‌های کم‌درآمد نرخ تورم سرقمی بوده است و فکر می‌کنم یک تفاوت جغرافیایی هم دارد؛ برای نمونه قیمت برنج در رشت و بوشر یکی نیست. این احساس درست است و این‌گونه نیست که بگوییم مردم اشتباه می‌کنند یا اینکه آمار منتشرشده غلط است. در همه جای دنیا نرخ تورم مردم است روی اقشار کم‌درآمد فشار بیشتری بیابود؛ بنابراین تورم در عمود جامعه روی هر فرد متفاوت و هم در بعضی جغرافیایی متفاوت است.